

فصل ششم :

ایران در زمان زمامداری دکتر مصدق
(از ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۲)

مقدمه

دکتر محمد مصدق، نمایان‌گذار جنبه ملی ایران و رهبر فراکسیون جنبه ملی در مجلس شانزدهم، در سوم اردیبهشت ۱۳۳۰ از طرف مردم به نخست‌وزیری ایران رسید. در تمام دوران بعد از جنگ جهانی با اینکه در ایران بعضی آزادی‌های نسبی بوجود آمده بود ولی پست نخست‌وزیری از طرف دربار و مجلس بسوی ما افرادی تئوکرات شده که با طرفدار آمریکا و با طرفدار انگلیس بودند. محمد علی فروغی، احمد توابع، محمد علی سپهری و عبدالحمید شهر سرسپردگان آمریکا، ساعد مراغه‌ای، مرتضی بهات، ابراهیم حکیمی، علی غمخور و بالاخره علی‌رزم‌آرا نمایان انگلیس در ایران بودند. دکتر مصدق تنها رجل استقلال طلب و ملی در بین تمامی این نخست‌وزیران بود. بدین جهت بدست گرفتن پست نخست‌وزیری از طرف مصدق استقلال طلب و مذهب پرست سرآغاز یکی از هجده انگیزترین و پر افتخار آرزوئین دوران تاریخ مبارزات روحانی بخش مردم ایران محسوب میگردد.

جنبه ملی ایران

دکتر مصدق و یارانش با اینکه در مجلس شانزدهم در اقلیت بودند ولیکن با اتکا به نیروی خلق و بسا استفاده از تضادهای موجود در بین نیروهای انقیاد طلب توانستند برای اولین بار بعد از مدت‌ها یک دولت ملی در ایران سرکار آورند. استخوان بندی دولت مصدق را جنبه ملی ایران تشکیل میداد. جنبه ملی از وحدت چندین حزب سیاسی و افراد غیر حزبی و شخصیت‌های مذهبی تشکیل یافته بود. ^{این} معروفتر و عمده‌ترین احزاب درون جنبه ملی در این زمان عبارت بودند از:

۱ - حزب ایران *

۲ - حزب پان ایرانیست ملت ایران *

۳- حزب زحمتکشان ایران *

۴- حزب مجاهدین اسلام *

چنانکه قبلاً نیز اشاره رفت، "حزب ایران" در سال ۱۳۲۱ توسط اعضای انجمن مهندسان بوجود آمده و در ۱۳۲۵ همراه "حزب توده" و دیگر احزاب در دولت ائتلافی قوام شرکت نموده و پس بعداً در تضاد با سیاست انقیاد طلبانه قوام السلطنه افتاده و رهبری صدق را پذیرفته بود. در زمان دولت ملی، فعالترین اعضای این حزب در دین جبهه بغیر از انبیا صالح، عبارت از مهندس کسائیم حسینی، مهندس احمد زکریا، و اصغر آریا بودند. "حزب ایران" خواهان استقرار ایران مستقل و آزاد بود. پلانطورم سیاسی این حزب یک نوع سوسیالیسم ترقی جهان سویی بود که ناسیونالیسم ترقی ایران را تبلیغ میکرد. این حزب به اسلام احترام گذاشته و با طغای ترقی مذہبی همکاریهای نزدیکی داشت. کارمندان دولتی، معلمان، بخشی از استادان دانشگاه، و دانشآموزان و بخشی از اصناف و تعدادی از تحصیل کرده های کشورهای اروپایی پایه های این حزب را تشکیل میدادند. ارکان این حزب جبهه آزادی بود که نسبتاً از پرنیروترین روزنامه های آن دوره محسوب میشد.

"حزب پان ایرانیست" را محسن پزشکی در سال ۱۳۲۹ تشکیل داد. بود. این حزب اساساً یک نوع ناسیونالیسم تکمیلگرا و شوونیستی فارس را تبلیغ میکرد. پایه های این حزب را نیز کارمندان دولتی، معلمان و بخشی از استادان دانشگاه تشکیل میدادند. ارکان این حزب در اوایل حام جم و سپهس پان ایرانیسم بود.

"مجاهدین اسلام" از سال ۱۳۲۲ در ایران فعالیت خود را شروع کرده و اعضایش در انتخابات دوره شانزدهم آیت الله کاشانی را که آن زمان به لبنان تبعید شده بود، به مجلس شانزدهم انتخاب کردند. کاشانی که بعد از افتتاح مجلس شانزدهم در ۱۳۲۹ به ایران برگشت رهبری این حزب را در دست گرفته و داخل جبهه ملی شد. ارکان این حزب پرچم اسلام بود. بخشی از اسلامی ها که در صحنه سیاسی ایران در سال ۱۳۲۹ با تئور مهر و نهر دبار و حمید زنگنه و نهر فرهنگ و بالاخره در فروردین ۱۳۳۰ با تئور رزم آرا معروف شده بودند با کاشانی و دیگر رهبران "مجاهدین اسلام" همکاری میکردند ولیکن همچو ^{قت} به جبهه ملی نپیوسته و رهبری صدق را پذیرا نبودند. ارکان های این بخش از اسلامی ها که به اسم "فدائیان اسلام" معروف هستند زلزله و نبرد ملت بود پایه های این احزاب مذہبی را تجار و کسبه

بازاری و طلب علومی و بخت‌زدگی از علای مذہب تشکیل میداد. از رهبران شناخته شده " فدائیان اسلام " باید از سید حسین یوای صفوی پایه گذار این سازمان و از برادران امام و بالاخره خلیل طه‌ساز و برادران واحدی اسم برد. از دیگر رهبران مجاهدین اسلام در این دوره به غیر از آیت الله کاشانی باید از آیت الله شمس قنات آبادی و حواد خلخالی اسم برد.

" حزب زحمتکش ایران " در سال ۱۳۲۹ توسط دکتر مظفر بقائی بوجود آمد. ارکان این حزب شاهد بود و علی زهری و خود بقائی اکثر مقالات این روزنامه را می‌نوشتند. حزب زحمتکش بین کارگران مذہب پایه داشتیمده نیادی از جفاک بدستان آن دوره در داخل این حزب متشکل شده بودند.

به غیر از این احزاب، احزاب درجه دو نیز در داخل جبهه فعالیت میکردند. عمده تین اینها حزب " آزادی " رهبری سیدحائری زاده بود که شدیداً محافظه کار و مخالف دکتر صدق بود. با بررسی ارتابهای این احزاب بخصوص این امر روشن میشود که جبهه ملی ایران یک سازمان سیاسی ثابت و یکپارچه که بتواند به خواسته های به حق استقلال طلبانه و ضد امپریالیستی خلقهای ایران تحت رهبری روزگار ملی خامه عمل بپوشاند نبود. در واقع سه نکته اساسی تمام این احزاب را در درون جبهه ملی متشکل ساخته بود. این سه نکته مشترک عبارت بودند از:

www.iran-socialists.com

۱- مبارزه علیه نفوذ انگلیس در ایران از طریق ملی کردن صنایع نفت

۲- الغای حکومت نظامی که بعد از جریان ۱۵ بهمن ۱۳۲۲ در ایران اعلام شده بود.

۳- قبول رهبری شخص دکتر صدق

خواهیم دید که چگونه بعد از اینکه مبارزات مردم ایران در دوره زمانداری دکتر صدق آهیده تر شده و مبارزات ضد امپریالیستی عمیقتر گردید این نیروهای سیاسی و احزاب نیز ماهیت اصلی خود را بروز دادند. بعضی ها بزودی از صدق بریدند و دور شاه حلقه زدند. عمده دیگر بعد از قیام تاریخ سیام تیر به " رفقای نیمه راه " تبدیل گشته و به صدق پشت کردند و بعضی دیگر از پشت به صدق خنجر زده و جنبش مردم ایران را دودستی تحویل نیروهای ضد مردمی و امپریالیست ها دادند.

همانطور که قبلاً نیز اشاره کردیم، دکتر صدق تنها نخست وزیری بود که با تکیه به ملت و اتحاد نیروهای سیاسی سرکار آمد. دولت دکتر صدق که با ملی کردن صنایع نفت ایران، خلع ید از انگلیس ها و اتخاذ سیاست " اقتصاد بدین نفت " در امور داخلی و با پیروی از اصل " موازنه ملی " در سیاست

خارجی به یکی از محییترین دولت‌های زمان معاصر درآمد. مجموعاً توانست ۲۷ ماه بر سر کار مانده و طبعه توطئه‌های انگلیس و سپس آمریکا و عمال داخلی آنان بر سرکردگی دربار و شاه مبارزه کند. دوره - حکومت ملی صدق با اینکه کوتاه بود ولی از لحاظ اعلی‌ترین جنبش ضد امپریالیستی و ارتقاء آگاهی‌های سیاسی دموکراتیک ملی و فرهنگی توده‌های مردم کم‌نظیر بود. ^۳ برای اینکه به عمق تحولات اقتصادی و سیاسی که دولت صدق توانست در همان مدت کوتاه بوجود آورد بی‌بهرم بهتر است نظر اجمالی به اوضاع اقتصادی و اجتماعی آن زمان بیافزاییم.

در آغاز زمانداری صدق (۱۳۲۰) نزدیک به ۸۵ درصد مردم ایران بسمواد و ۸۰ درصد با سوء تغذیه روبرو بودند. مرگ و صربین اطفال بویژه در روستاهای ایران نزدیک به ۵۰ درصد صرید. از هر دو طفل یکی قبل از اینکه به سن دوسالگی برسد به جهت عدم وجود بهداشت سالم، آب کثیف و سوء تغذیه از بین میرفت. بطور کلی عمر متوسط ۲۷ ساله بود و وضع کشاورزی بدتر از سالهای قبل از جنگ جهانی بود. بیمارستان‌ها انگشت شمار و نصف دکترهای طب کل ایران در تهران مشغول طبابت بودند. فئودال‌ها با کف‌زادارم‌ها در دهات ایران به غارت روستائیان مشغول بوده و در تهران نیز نزدیک به ۲۰۰/۰۰۰ نفر در زحمت‌ها زندگی میکردند. ^۴

در مقابل این عقب‌ماندگی‌ها و فقر و اختناق، تولید استخراج نفت به ۲۱/۷۵۰/۰۰۰ تن رسیده بود که در سال ۱۳۲۹ نزدیک به ۲۰۰ میلیون پوند باید گنجان نفت ایران و انگلیس کرد. در این سال از این صدها عایدات طبق قرارداد محسوس ۱۳۱۲ فقط ۹ درصد عاید ایران گشت. ^۵ آگاهی به این امر بین توده‌های مردم در واقع پایه مادی و اصلی حرکت دکتر صدق در راه ملی کردن صنایع نفت ایران بود. صدق و آنانکه تا به آخر در کنار صدق ماندند معتقد بودند که ایجاد رفاه و عدالت اجتماعی در ایران فقط از طریق استقرار یک دولت مردمی و ملی در ایران مستقل و متکی به خود میتواند محسر گردد. با این جهت، صدق و یارانش دولت خود را در ایران بوجود آوردند.

دوران حکومت صدق به دو دوره مشخص از هم جدا میشود. دوره اول از اردیبهشت سال ۱۳۲۰ تا سن ام ۱۳۲۱ (مجموعاً ۱۴ ماه) را دوره محکوم. دوره دوم از بعد از قیام پیروز پند سن ام تهر ۱۳۲۱ شروع شده تا کودتای ضد مردمی ۱۳۲۲ ادامه پیدا میکند.

دوره اول زمانداری صدق

در این دوره، دولت صدق موفق شد طرح تصحیب شده لایحه ملی شدن صنایع نفت را بعرض اجرا

گذاشته و از انگلیس‌ها در آبادان خلع‌بد کند (۲۹ خرداد ۱۳۲۰) در این زمان انگلستان و آمریکا برای تسلط کامل خود در جهت اخذ منابع طبیعی و معدنی و بهره‌برداری نفت به رقابت‌های بعد از جنگ خود ادامه می‌دادند. ^۶ مبارزات ضد امپریالیسم سطح نازلی داشت و عمدتاً علیه امپریالیسم انگلستان بود و آمریکا نیز می‌کوشید نقش "مانجیگری" را در ایران بین انگلستان و دولت ایران بازی کند. بعد از خلع‌بد انگلیس‌ها چند صباحی بفرقه نظامی به ایران افتادند ولی از ترس شوروی نتوانستند که این کار را بدون پشتیبانی آمریکا انجام دهند. آمریکا نیز به که هدفش نفوذ در ایران و اخذ تمام سرکردگی امپریالیست‌ها از طریق تضعیف موقعیت انگلستان در ایران بود، روی این طغیان‌ها طرفدار خود (مثل آزاد، زاهدی، اقبال، و بهائی و غیره) را به داخل بهفت ملی ایران روانه ساخت که در ظاهر علیه انگلیس‌ها دوش‌بند و صدق و بارانش مبارزه کنند. انگلیس‌ها چون شرایط را مساعد ندیدند در ظاهر به "مانجیگری" آمریکا پاسخ مثبت داده و وارد مذاکره با دولت ایران گشتند ولی در واقع به جنگ اقتصادی علیه دولت صدق دست بازیدند و موقتاً از حمله نظامی به ایران از طریق قبرس و خلیج فارس، ترکیه و عراق منصرف گشتند. در سپتامبر سال ۱۹۵۱ انگلیس‌ها از صدور نفت ملی شده ای ایران خودداری کرده و کشتی‌های نفتکش انگلیسی در آبادان بحالت رکود افتادند و در خارج از ایران نیز خرید نفت ایران را از طرف ملل دیگر تحریم کردند و خواستند بدون وسیله دولت دکترا صدق را زیر فشار اقتصادی وادار به تسلیم سازند. ولیکن دولت صدق با تکیه به ملت و اخذ سیاست‌های مورد محبوب (مثل قرعه‌کشی از مردم) و معرفی سیاست اقتصاد بدون نفت "توانست در مقابل توطئه‌های انگلستان مقاومت کرده و بر محبوبیت خود بیافزاید. دولت دکترا صدق در ماه نوامبر همان سال از دست انگلیس‌ها به شورای امنیت سازمان ملل شکایت کرد. ولی شورای امنیت اعلام کرد که طرفین باید مسئله را از طریق دو جانبه حل کنند. در ژانویه سال ۱۹۵۲ دولت صدق قدم دیگری در راه مبارزات ضد امپریالیسم مردم ایران برداشته و کنسولگری‌های انگلیسی را در سراسر ایران بست ولی رابطه دیپلماتیک ایران را با انگلستان قطع نکرد. انگلستان که از طریق تحریم علیه ایران نتوانسته بود کاری از پیش‌برد این دفعه در شورای امنیت از دست دولت ایران شکایت کرد. خود دکترا صدق این دفعه در شورای امنیت سازمان ملل متحد شرکت کرده و طی سخنرانی پرشوری از حقوق مردم ایران و ملی شدن صنعت نفت دفاع کرده و خواست که انگلستان از مداخله در امور داخلی ایران دست بردارد. انگلیس‌ها چون از این ملل خود نیز نتیجه‌ای ندیدند خواستند از طریق مجلس و دربار دولت صدق را سرنگون سازند. ^۷

در پائیز ۱۲۲۰، بعضی از نمایندگان و جناح‌هایی که تا آن زمان از روی احماریت نظر صلحتی از دولت صدق در مجلس شایزدهم پشتیبانی می‌کردند شروع به مخالفت و کارشکنی علیه دولت کردند. در ضمن بخش‌های مختلف در درون خود حجه طلی بهره حزب زحمتکشان و حزب ایران در آستانه انتخابات برای مجلس هفدهم به مخالفت علیه صدیق برخاستند.

تشیح و برانگیختن بقدری در اواخر سال ۱۲۲۰ در مجلس شایزدهم شهرت پیدا کرد که صدق مجبور شد تا انتخابات برای مجلس هفدهم را زودتر از موعد تعیین کرده اجرا در آورد. دکتر صدق اجدوار بود که در مجلس هفدهم اکثر نمایندگان از برنامه سیاست خارجی او حمایت کرده و نمایندگان دربار و وابسته به نیروهای خارجی اقلیت کوچکی را تشکیل خواهند داد. ولی بعد از اینکه ۸۱ نفر از کل ۱۲۶ نمایندگان مجلس هفدهم انتخاب شدند، دکتر صدق و پارانش متوجه شدند که مجلس هفدهم نیز مثل مجلس شایزدهم با اصلاحات داخلی و برنامه سیاست خارجی او مخالفت خواهد کرد.^۸

مجلس هفدهم که در ماه خرداد ۱۲۲۱ بطور رسمی گشایش یافت، با انتخاب جمال‌امامی به‌است مجلس هفدهم را به یقین تبدیل ساخت. جمال‌امامی از طرفداران دربار و انگلیس و از رهبران سرسخت مخالفین دکتر صدق در مجلس شایزدهم بود. علیرغم این حیوانات، دکتر صدق و همکارانش دست از مبارزه نکشید و در جهت پیاده کردن اصلاحات داخلی و برنامه های ضد امپریالیستی خود اقدام کردند.

در اوایل تیر ۱۲۲۱ (ژوئن ۱۹۵۲) دکتر صدق از مجلس خواست که به دولت او شش ماه اختیار نام تعیین کند تا او و اعضای کابینه اش اصلاحات ضروری را سه‌ماهه مرحله اجرا در آورند. اکثریت مجلس این درخواست صدق را بهانه‌های مختلفی، جمله اینکه دکتر صدق با اخذ این نوع اختیارات خیال استقرار دیکتاتوری شخصی دارد، رد کرد. در همین زمان دکتر صدق برای اینکه از انجام کودتای نظامی توسط دربار و طرفداران انگلیس علیه دولت طلی پیشگیری کند در خواست کرد که به ریاست وزارت جنگ نیز به شخص نخست وزیر محول گردد. همان‌طور که انتظار میرفت شاه پیشنهاد صدق را رد کرد. دکتر صدق لاجرم در ۱۶ ژوئیه (۲۶ تیر ۱۲۲۱) طلی نطق به ملت از نخست‌وزیری استعفا داد و از مردم خواست که با مداخله خود امور مهنی سرپرست طلی خود را تعیین کنند. جواب مردم به این خواست صدق قیام تاریخی سه‌ام تیر سال ۱۲۲۱ علیه شاه، دربار و انگلیس بود. ارتجاع بسا روی کار آوردن قوای سلطنته، خواست دوباره اوضاع را بفتح امپریالیزم و بغیر خلق ایران تغییر دهد.

ولی دلاوریهای مردم و فهم خشم‌آسای آنها به نفع صدق ارتجاع را مسبب به عقب نشینی ساخت. تسامح
السلطنه از نخست‌وزیری استعفاداد و دکتر صدق دوباره توسط مردم به نخست‌وزیری ایران رسید.^۹
بدین وسیله دوره اول زمامداری دکتر صدق به پایان رسید و دولت ملی با بهروزی طغیانه انفرادی طلبان
و ضد خلق دوره دوم خود را شروع کرد.

دوره دوم زمامداری دکتر صدق

در این دوره اقدامات جدی ضد امپریالیستی گسترش یافت دکتر صدق با تمعید اشرف و طهرضا بهلولی
بر بیگر دربار صریح‌ای دیگر وارد ساخته و از اصراف و حیف و میل پول ملت جلوگیری کرد. جمال امامی
را که نوکر انگلیس در مجلس بود، تمعید کرد و دکتر حسین فاطمی، سردبیر روزنامه باختر امروز ارگان
نیسه رسمی جبهه ملی ایران، را به مقام ریاست امور خارجه ایران برگماشت.
در جهان فهم س‌تبر و بهروزی مردم، دادگاه لاهه هم به نفع ایران رای داده و اعلام کرد که
دادگاه حق دخالت در امور ایران را ندارد. بهروزی مردم در فهم س‌ام صر و رای دادگاه لاهه دو
چندان بر ابعاد ملی و ضد امپریالیستی دولت صدق افزود. در اکتبر ۱۹۵۲، روابط ایران با انگلستان
قطع شد و انگلستان از آن زمان کوشید که از طریق یک کودتای نظامی در ایران دولت صدق را سرنگون
سازد. چون به تنهایی قدرت این چنین کاری را نداشت ناچاراً متوسل به رقیب خود آمریکا گشت. در
این موقع آمریکا نیز به این نتیجه رسیده بود که دولت صدق فقط ضد انگلیس نیست بلکه به تمام محض
ضد امپریالیست یعنی ضد امپریالیسم آمریکا نیز هست. موضع ملی دکتر صدق که ایران حق استخراج نفت
را به هیچ کشوری واگذار نخواهد کرد و تمام کشورهای جهان حق خرید نفت از ایران را دارند
کاملاً موضع ضد امپریالیستی صدق را نشان م‌داد. در ماه اکتبر همان سال مجلس س‌فا (که نصف اعضای
آن از طرف شاه منتصب میشدند) از طرف مجلس شورای ملی عزل شد و در ژانویه ۱۹۵۲ مجلس س‌سه
دکتر صدق برای یکسال آینده اختیار تام داد. در ماه فوریه ۱۹۵۲، دکتر صدق از دربار استعفا
کرده و خواستار عدم دخالت شاه و دربار در امور دولتی ایران شد. تا این زمان طرفداران آمریکا در
دورن بهفت از دکتر صدق انشعاب نکرده بودند. ولی بعد از اقدامات ملی صدق در رابطه با اصلاحات
مجلس س‌نا، تمعید اشرف و طهرضا، استعفای جمال امامی و معرفی برنامه اصلاحات ارضی به نفع دهقانان،
طرفداران آمریکا یکی بعد از دیگری طغیانه صدق و بهفت ملی موضع گرفته و بدین وسیله در حسان ترس

مرحله تازج مبارزات مردم ایران به جنبش ملی و دموکراتیک مردم ایران صدمه زدند * از فوریه ۱۹۵۲ به بعد اتحاد نامحدود دشمنان خلق علیه دولت ملی صدق شروع به رشد کرد * شاه و دربار که اختیاراتشان از طریق اجرای قانون اساسی کاملاً محدود شده بود با ملائین که دشمن لایحه اصلاحات ارضی بودند * و با سران ارتش که مخالف کنترل ارتش از طرف صدق بودند * وحدت کرده * و با حمایت و پشتیبانی آمریکا در جهت سرنگونی دولت صدق به فعالیت افتادند * ۱۰

در آغاز سال ۱۹۵۲ این عناصر در جنوب ایران بمحتواینها را علیه دولت صدق شوراندند * سپس در تهران برای ایجاد اغتشاش و اغتشاوطوس رئیس شهرهای تهران را که کاملاً از آمر دکتور صدق را احراز کرده هیچچین وضعی گشتند *

دکتور صدق به مجلس پیشنهاد کرد که برای اینکه دولت ملی نتواند به اعطیت کشور رسیدگی کرده و حلوانتخابات را بگیرد باید شاه تمام فراموشی بیروهای نظامی را به وزیر جنگ تاویل نماید * آنطور که احتمال صرفت شاه و دربار و مقامات بالای ارتش را این پیشنهاد مخالفت کردند * در این بوضع کینه و محسوس از هشت نماینده تشکیل گردیده که به پیشنهاد صدق رسیدگی کند * کینه محسوسه علیه صدق از بحث و شوریه مجلس توسعه کرد که شاه باید آن تمام را به صدق تغییر کند * پیشنهاد کرده شد مجلس با مخالفت جناح های ضد صدق روبروگشت * این جناح ها - در این زمان با رخصت آمریکا بدیحا به مخالفت با دولت صدق برخاستند و از اختلافاتی که در این دوره بین اسلامی ها و ملی گراها رشد کرده بود نهایت استفاده را کردند *

از پائیز ۱۹۵۲ (۱۳۳۱) دولت آمریکا متوجه شد که دکتور صدق نه فقط ضد کمپانی نفت انگلیس بلکه ضد امپراتورم آمریکا نیز هست * و متوجه شد که کمپانی های نفت آمریکا برای قبضه کردن نفت ایران نقش برآب شد و دکتور صدق با قاطعیت بیشتر " سیاست اقتصاد بدون نفت " دولت را در ایران بهاده ساخت * آمریکا دست به توطئه های نظامی علیه دولت ملی زد * آنطور که خود دکتور صدق در دفاعیات خود در بیدادگاههای نظامی رژیم شاه شرح داد است * بین ۱۹ اسفند ۳۱ تا ۲۸ مرداد ۳۳ * لایق ۵ فصل کودتا - مانند علیه دولت ملی انجام یافت *

بعد از اینکه بخش از اهل بختانها در اول اسفند برهبری ابوالقاسم بختیار علیه دولت صدق ضعیفان کردند دولت نیز متوجه شد که بخش از افسران باز نشسته تحت رهبری سرلشگرزاهدی * سرپرست

کابین امیران بازنشسته ، نیز در این شورش دست دارند. طبق گزارش کیهان در ۲۱/۱۲/۳۱ بازرسی ها شبکه از ذخائر و تجهیزات ارتش معمل آند نشان داد که بدستور دربار مهیات جنگی در اختیار شورشیان گذاشته شده بود. عطیات نظامی و شبه گوناها غلبه صدق بپوزه از اسفند ۳۱ به بعد ادامه پیدا کرد و هر یک از این توطئه ها باالطیحات تضخیف بهشتی یافته و بطور سیستماتیک به پای اجرای کودتای بیست و هشت مرداد ۱۳۳۲ رفتند .

در این زمان بموازات عطیات نظامی ، طرفداران امین الیزم آمریکا در مجلس هفدهم نیز مخالفت و ضدیت خود را با صدق شدت بخشیده و یکی بعد از دیگری از جبهه طی و دولت بریده و دور شاه ، گسه معرفت به سرپرستی آمریکا دیکتاتوری ضد خلق را جانشین دولت مردمی صدق سازد ، حلقه زدند . در جریان ماه های اول سال ۱۹۵۳ (اواخر سال ۱۳۳۱) در مجلس هفدهم انشعابات مختلفس بوجود پیوست که پایه تضعیف دولت صدق را بنا نهادند و کودتای بیست و هشت مرداد ۱۳۳۲ را حیسر ساخت . در این دوره وقتیکه کنگتر صدق در جهت اصلاحات امیر دادگستری و دیوانعالی و محدودیت دربار و موقعیت سلطنت اقدام کرد عبدالله مظفر بقائی رهبر حزب زحمتکشان ایران طی حطه به دگسر صدق در مجلس از جبهه طی انشعاب کرده و به کارشکنی علیه دولت طی دست زد . حسین مکی نماینده یزده نیز که در جریان خلق پید از دولت دگتر صدق پشتیبان گرده بود از صدق بریده و علیه دولت او موضع گرفت . آهتالنه گاشانی نیز که رهبر حزب مجاهدین اسلام را در داخل جبهه طی داشته و در این زمان رئیس مجلس هفدهم بود از جبهه طی انشعاب کرده و درصدد برآمد که حزبی بنام بهخت شرق ایجاد ساخته ، او علیه صدق موضع گیرد . انشعاب گاشانی ضربه بزرگی بر پیکر اتحاد طی زده و ارتجاع را ، که در این موقع در کمن کودتا نشسته بود ، امیدوارتر ساخت . در این دوره حزب موناوگو فاشیستی سوئکا که در خیابانهای تهران بمظرفداری از سلطنت مطلقه فاشیستی در ایران تبلیغ میکرد موفق شد که بخت بزرگی از نمایندگان و طرفداران حزب پان ایرانیست بر رهبری معمن پزشکیور را در مجلس علیه دولت صدق برانگیخته و بدینوسیله هم در مجلس و هم در بیرون از آن موضع دولت صدق را بهتتسر تضعیف سازد . در ماه های خرداد و صبر ۱۳۳۲ (ژوئن و ژوئیه ۱۹۵۳) مجلس هفدهم در واقع به پایگاه دشمن برای تفرقه افکنی بیشتر علیه دولت طی و مردمی صدق تبدیل شده بود . روی این اصل طرفداران دگتر صدق که تعدادشان در این موقع به ۲۵ نفر میرسید عموماً در مجلس شرکت نمیکردند تا مجلس

از اکثریت بهافتند. در آغاز مرداد ماه همان سال دکتر صدق مجبور شد که با مراجعه به آراء مسوی
"رفراندوم" مجلس هفدهم را که به آتش درد دست دربار و آمریکا و انگلیس علیه دولت ملی درآمده
بود، منحل ساخته و انتخابات جدیدی بر اساس معیارهای ملی و مردمی اجرا سازد. در رفراندوم مردم
ایران به نفع دکتر صدق یعنی برای انحلال مجلس هفدهم رای دادند. بعد از انحلال مجلس دولت
آمریکا تصمیم گرفت که از طریق "سما" در ایران برنامه معروف کودتای بیست و هشت مرداد را پیاده
کند. ۱۱

در این زمان سرلشکر زاهدی یکی از قاضین شناخته شده افشار طوس در مجلس تحت عنوان ند داشتن
"اضیت" و "مسولیت حانی" متضمن بود. و فتنه روشن شد که مجلس بطور احتساب ناپذیر منحل
خواهد شد زاهدی از مطارت بهارستان خارج شد و با اتو عهد رئیس مجلس تحت مراقبت سروان پژمان
معاین گارد مجلس به خانه خود و بعداً نیز از طریق تاسیبا مأمورین "سما" به زیر زمین سفارت
آمریکا منتقل شد.

زاهدی در سفارت آمریکا به گرمیت روزولت طحق شد. روزولت معروفه "کم" که اخیراً خاطراتش
را در آمریکا در رابطه با نقش خود در کودتا منتشر کرد (۱۹۸۱) یکی از مأمورین "سما" بود که به
طور غیر طنی در هفته اول ماه اوت (در نیمه های مرداد ۱۳۲۲) وارد طهران شد. و مشغول تصدات
کودتا بود.

چند روز بعد از ورود روزولت، ژنرال شوارتسکف رئیس پلیس ایالت نیوجرسی، نیز وارد ایران شد. بعد
از دیدار با شاه و زاهدی، شوارتسکف و روزولت تصمیم گرفتند که در بیست و پنجم مرداد کودتا را اجرا
سازند. آنها زاهدی را برای نخست و زبری تعیین کردند. کودتای بیست و پنجم مرداد نیز مثل توطئه ها
قبلی با شکست روبرو شد. شاه از طریق عراق به ایتالیا فرار کرده و زاهد نیز برای دوس باز در زیر
زمین سفارت آمریکا پنهان شد تا شریه دوم از طرف "سما" بر پیکر دولت ملی وارد آید. در روزهای
بیست و پنجم تا بیست و هفتم توده های مردم به خیابانها و کوچه ها آمد. و به پشتیبانی از دولت ملی
صدق فرار شاه را جشن گرفتند. ۱۲

شاه در رم با الن دالس رئیس سما ملاقات کرد و مأمورین فوق الذکر "سما" به همراه زاهدی و روحانی
هایی چون آنتالعه بهبهانی و امپاشان چون شعبان بعمری بالاخره در آن روز شوم تاریخی (بیست

و هشت مرداد ۱۳۳۲) دولت ملی صدق را سرنگون ساختند *

نتیجه گیری

باز هم برای چندین بار تاریخ شاهد یک فاجعه بزرگ میهنی شد. زمانیکه در ایران نیروهای اجتماعی سیاسی در خط تالشی و انشعاب حافظند انقیاد طلبانی چون شاه، زاهدی بقاشی و نجره موفق میشوند که نیروهای ضد مردمی و وابسته به اجانب را متحد ساخته و دولت ملی را سرنگون سازند. تجزیه های بی دین بهره بعد از بروز اختلاف بین دکتر صدق و آیتالله کاشانی و انشعاب در احزاب درین جبهه ملی شرایط را برای کودتا آماده تر ساخت. در این جا باید به موضع و موقعیت "حزب توده" نیز اشاره کنیم. در آستانه کودتای ۲۸ مرداد "حزب توده" سازمان یافته ترین و بزرگترین حزب نه تنها در ایران بلکه در خاروجانه بود که دارای عظیمترین پایه های توده ای در بین کارگران و دانشجویان و دانش آموزان و نویسندگان و روشنفکران بود. در ضمن رهبری این حزب نرمان زمان سازمان انقلابی افسران را نیز در درون ارتش ایران در تحت اختیار داشت. این سازمان نزدیک به ۶۰۰ افسر و ۳۰۰۰ درجه دار بود. رهبران حزب توده در این دوره دیگر خود را یک حزب "دیوکرات" و یا سوسیال دیوکرات" و یا "ضد فاشیست" محسوب نمیداشتند. بلکه آنها در نشریات خود که از تراز وسیعی در ایران برخوردار بود خود را به عنوان نمایندگان واقعی طبقه کارگر دانسته و حزب خود را انقلابی معرفی میکردند.

همانطور که اشاره رفت در شرایط بحرانی هفته های قبل از کودتا تشدید اختلافات بین دکتر صدق و آیتالله کاشانی که منجر به انشعاب در درون جبهه ملی گشت منحصراً به رهبری منانند بلکه در سطح کل جامعه اثرات شوم خود را گذاشت. نیروهای ملی گرا و نیروهای مذهبی از هم جدا شدند. رهبری حزب توده نیز که خود را نماینده سوسیالیسم می دانست با بیعتن و دنباله روی بطور عمیق نتوانست در خدمت انقلاب ایران قرار گیرد. علمبرقم امکانات نهادیکه در دست داشت در روزهای شوم قبل از کودتا مردم ایران و رهبریت را در مقابل پورش همگانه و ضد خلق تنها گذاشت.

در ۲۲ مرداد وقتی که شاه فرمان ضد خلقی خود را صادر کرد و صدق و نصیب زاهدی به نخست وزیر را امضا کرد مطبوعات حزب توده (رهبر، مردم برای روشنفکران) خطاب به مردم نوشتند: "مردم شرافتمند ایران! توطئه خائنه کودتا در شرف تکوین است. برای درهم شکستن این توطئه آماده شهد"

بمهری حزب توده از جهان ضد ملی که صرف کودتا را بهاده کند اطلاع کافی داشت. این رهبری کسه دارای بهترین امکانات برای جلوگیری از انجام کودتا بود چه کار کرد؟

یوزلدین کمانوری دبیر اول حزب توده ایران در خاطراتش که اخیراً در ایران (۱۳۵۹) چاپ شده

است چنین معلمی رهبری را توجیه میکند:

"روز بیست و یکم مرداد ماه به ما اطلاع رسید که مقدمات اجرای کودتا در لشکر گارد و سایر واحدهای مورد اطمینان شاه فراهم شده و در انتظار تعیین ساعت عمل میباشد. این اطلاع را سرهنگ مشیری در ساعات های نزدیک به نیمه شب به منزل من آورد. از همان منزل کوشش کردم با دکتر صدق تناس بگیرم. این راه ارتباط را تا آخرین ساعات روز ۲۸ مرداد حفظ کردم. روز بیست و سوم مرداد باز هم حزب ما در نشریات صبح خود خطر کودتا قریب الوقوع را منتشر ساخت. روز بیست و سوم بعد از ظهر باز هم سرهنگ مشیری به منزل من آمد و خبر آورد که شب قرار حمله قطعی گارد گذاشته شده است. من در همان ساعت بازار راه اندرونی با دکتر صدق ارتباط گرفتم و به او گفتم که ما دوستان بسیار با ارزش و فداکار در میان افسران داریم که پست های حساس فرماندهی ندارند. ما حاضریم این افراد را به شط معرفی کنیم. از آنها برای دفاع از خانه خودتان و برای پست های مهم فرماندهی استفاده کنید. تنها از این راه میشود جلوی خطر را گرفت." ۱۳

این "توجیه" با واقعیات آن روزها در تضاد است. آخر چگونه امکان دارد که حزب توده به قدری حزب سازمان یافته از دکتر صدق "اجازه" برای دفاع از مهین بگیرد؟ مگر به زعم این رهبری دکتر صدق نمایند. "تا به لندن" و "آخرین تیرتکش استعمار" نبود؟ چگونه این رهبری میخواست از نماینده "بوزیرازی طی غیر انقلابی" فرمان عمل گیرد. آیا نماینده واقعی بیولتاریا در کجای دنیا از نمایندگان دیگر طبقات کسب تکلیف میکند؟ تازه فرض کنیم که کمانوری مرتکب تحریف تاریخی نمیشود و براساس آنها از دکتر صدق کسب تکلیف کردند. آخر چگونه دکتر صدق میتوانست به این رهبری که سالها درازا و اورا شتم به "مکاری" و "فریب" علیه مردم کرده بودند اعتماد کند؟ بلی صدق کسی بود که بسوی آینده در شماره ۲۹/۷/۲۱ در پیجوه طی شدن منابع نفت. این چنین شخصیت اورا به مردم معرفی میکند:

"مردم بخوش میدانند که جنبه طی چه معجوس است و چگونه دست استعمار برای فریب توده های ملت آنها بوجود آورده است. مردم هیچوقت فراموش نمیکند که پیشوای این جنبه پیر مرد مکاری که نیم قرن است به اغفال و فریب خلق مشغول است و در عمر دراز خود چه شمیده های رنگارنگی به قالب زده

و با دکتر صدق همان کسی است که درباره همین روزنامه در شماره ۱۲/۲/۱۳۳۱ در باره اش چنین اظهار نظر میکند: ملت ایران تضمین های خائنه صدق را نمی پذیرد و در برابر جنایات و روش های فاشیستی حکومت او بر پایداری و مقاومت خود می افزاید"

گذشته از این ها در همان روزهای بحرانی و قبل از کودتا نیرویها در درون ارتش سموی کدامین قدرت ها جذب شده بودند؟ ارتش از سه بخش تشکیل یافته بود: بخش بزرگی از ارتش تحت رهبری زاهدی سموی آمیگا جذب شده بود، بخش نسبتاً سازمان یافته و منظم تحت رهبری "حزب توده" بود و بخش بسیار کوچکی نیز که عمدتاً از طرفدین درون ارتش - مثل سرهنگان ریاحی - تشکیل میشد که در کنار صدق مانده بودند. با این شرایط دکتر صدق هیچ قدرتی در درون ارتش نداشت برعکس این رهبری حزب توده بود که میتوانست با یگان بردن سازمانهای توده ای خود و با یگان بردن بخش افسران انقلابی در درون ارتش جلوی کودتا را بگیرد که نگرفت و با بهمنی خود باعث پیروزی ضد خلق گشت."

بعد از بیست و هشت مرداد ۱۳۳۲، کمیته مرکزی حزب توده، بهمنی رهبری حزب را چنین شرح میدهد:

"... پس از شروع کودتا و بروز اتهام در درگ امامت حوادث ۲۸ مرداد برای آنکه جادای اقدامی در جهت مخالف سیاست صدق بکنند به صدق ظن کردند... پس از آنکه حادثه بمب پافیت و جنبه خطرناک آن آشکارتر شد مجدداً به صدق ظن کردند و وقتی صدق گفتکاری از من ساخته نیست، هرکاری از از دستتان برمی آید بکنید" ۱۵

پس اگر رهبری حزب توده، صادق و موین به آرمانهای ملت ایران بود، میتوانست از امکانات مختلف خود استفاده کند ولی رهبری حزب توده، مستقلاً فکر نکرده و حتی بخود نبود بدین جهت دست روی دست گذاشته "و با تمام لاف و کزاف گوش ما ایشان مردم به دفاع ایران را در مقابل تبع و دشمن ضد خلق تنها گذاشتند" ۱۶

در روزهای ۲۹ و ۳۰ مرداد اعضای سازمان جوانان همراه دیگر توده های دست به دامن رهبری شد که در مقابل دشمن مقاومت کردند و سپس تفسیر دیگری بوجود آوردند. ولیکن از رهبری حزب توده دستبرآید که "بروید به خانه هایمان" و "از هر منی که به حربه و بیوکا سمون تعبیر شود" بهره بکنید. تا بعداً رهبری از طریق تشکیلات و رادیو "رضود" بفرستد.

ادامه دولت ملی دکتر صدق متواست با اجرای سیاست "اقتصاد بدون نفت" و از طریق اقدامات مردمی چون تعدیل ثروتها از طریق افزایش مالیاتهای مستقیم و با تأکید نقش دولت در امور اجتماعی و برنامه های اقتصادی و تقسیم اراضی بین دهقانان بی زمین و همراه با تأمین عدالت اجتماعی دیکراسی ملی را در ایران مستقر سازد. با سابقه تاریخی غنی که صدق و باران وفادار اثر در امور بین المللی داشتند دولت صدق متواست با ایجاد دولت ملی پرامن سیاست "موازنه منفی" دست بهنگانگان استعمارگر را از ایران کوتاه سازد. ولی عدم وحدت و جریان تلاش و انشعاب در بین نیروهای ملی گرا از یک طرف و نیروهای اسلامی از طرف دیگر موازات خرابکاری، بی معنی و کار شکنی حزب توده، انقلاب طلبی شاه و اتحاد امپریالیست های انگلیس و آمریکا به دوره کوتاه ولی پرشکوه و درخشان حکومت صدق خاتمه داد و دوره ای دیگر از رژیم خفقان و ترور را بر مردم ایران تحمیل ساخت.

www.iran-socialists.com



فصل اول: ایران از دیوان باستان تا ظهور اسلام

۱- برای اطلاعات کامل درباره آغاز حیات و تکامل جوامع انسانی پیش از تاریخ و در آغاز تاریخ به طابع زیر مراجعه کنید:

- سعید نفیسی، تاریخ اجتماع ایران در دیون پیش از تاریخ و آغاز تاریخ، تهران، ۱۳۴۴.

- فریدون شایان، سوری در تاریخ ایران باستان، تهران، ۱۳۵۱، صفحات ۱۶ تا ۹.

- کاظم ودیعی، "آغاز حیات و سابقه تمدن در ایران" مقدمه بر جغرافیای انسانی ایران، تهران،

۱۳۴۹، صفحات ۱ تا ۲۷.

- R. Ghirshman ایران از آغاز تا اسلام، بالهتور، ۱۹۵۴، فصل اول، صفحات ۴۵.

۱ تا ۲۲، این کتاب در سال ۱۳۴۴ توسط محمد معین به فارسی ترجمه شده است.

۲- شایان، مناجیا، صفحات ۱۷ تا ۲۱ و Ghirshman مناجیا، صفحات ۲۳

۳- شایان، مناجیا، صفحات ۱۹ تا ۲۰، Ghirshman مناجیا، صفحات ۴۵ تا ۵۰، و ودیعی

مناجیا، صفحات ۲۱ تا ۳۴.

۴- درباره هجوم و سکونت اقوام مختلف آریایی در فلات ایران به آثار زیر مراجعه کنید:

- جوادشکور، ایران در عهد باستان، تهران، ۱۳۴۳، فصل اول.

- F. Porrada، ایران باستان، پاریس، ۱۹۶۳، (به فرانسوی)، فصل اول و دوم.

- R.N. Frye، اریه ایران، نیویورک، ۱۹۶۳، (به انگلیسی)، فصل دوم، صفحات ۲۷ تا

۴۸ و Ghirshman مناجیا، فصل دوم، صفحات ۲۳ تا ۸۹.

۵- برای اطلاعات جامع درباره ظهور و تکامل دولت ماد در ایران به شایان، مناجیا، فصل سوم،

۲۳ تا ۵۲، Frye مناجیا، صفحات ۹۱ تا ۱۰۲، و Ghirshman مناجیا،

مناجیا، صفحات ۹۰ تا ۹۶، W.H. Boulton، ماد، ترجمه کریم کشاورز، تهران، ۱۳۴۳ و

تهران، ۱۳۴۳، و W.H. Boulton، ایلام، مادها و ایران، لندن، ۱۹۳۳، (به انگلیسی).

۶- Ghirshman مناجیا، صفحات ۹۷ تا ۱۱۸.

- ۷- برای تحلیل جامع از وضع زندگی مردم در عصر مادها به W. Neurath «این چنین در ایران باستان زندگی میکردند» نیپورک، ۱۹۲۰ (به انگلیسی مراجعه کنید).
- ۸- درباره تحلیل طبقاتی از دین و ایدئولوژی مادها به شاپان «همانجا» صفحات ۵۴ تا ۵۷ مراجعه کنید.
- ۹- برای جزئیات مربوطه به سقوط رژیم ماد و ظهور هخامنشیان به W. Dulican «مادها و پارسها» لندن، ۱۹۶۵ (به انگلیسی او به ن. و. پیگولوسکا، آ. یو. باکویسکی، آ. م. بلینسکی، ای. پ. پتروشفسکی و ل. و. استرووا «تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان سده هجدهم» جلد اول «ترجمه کیم کشاورز» تهران، ۱۳۴۶، صفحات ۱۰ تا ۱۶ مراجعه کنید).
- ۱۰- برای اطلاعات مفید تاریخ دربار اوضاع سیاسی و اجتماعی و اقتصادی سر هخامنشی به منبع زیر مراجعه کنید:
- عاصم برهنه «تاریخ دو هزار ساله ایران» جلد اول، تهران، ۱۳۴۳، فصل دوم و سوم.
- علی ساسی «تدین هخامنشی» شیراز، ۱۳۴۱.
- مرتضی احتشام «ایران در زمان هخامنشیان» تهران، ۱۳۵۵.
- پیگولوسکا و دیسگران «همانجا» صفحات ۱۶ تا ۲۱.
- شاپان «همانجا» فصل پنجم، صفحات ۸۱ تا ۹۲.
- Ghrishman «همانجا» صفحات ۱۲۷ تا ۱۳۶.
- ۱۱- شاپان «همانجا» صفحات ۹۲ تا ۱۰۲ و Ghrishman «همانجا» صفحات ۱۲۸ تا ۱۴۴.
- ۱۲- درباره وضع طبقات در جامعه هخامنشی مراجعه کنید به شاپان «همانجا» صفحات ۱۲۹ تا ۱۳۶ و Ghrishman «همانجا» صفحات ۱۸۱ تا ۱۸۸ و Frye «همانجا» صفحات ۱۳۲ تا ۱۴۴.
- ۱۳- شاپان «همانجا» فصل ششم، صفحات ۱۲۷ تا ۱۵۰.
- ۱۴- Frye «همانجا»
- ۱۵- Ghrishman «همانجا» صفحات ۱۴۲ تا ۱۴۶ و ۱۵۲ تا ۱۵۵.
- ۱۶- برای اطلاعات جامع راجع به آئین، خصوصیات و جهان بینی دین زردشتی مراجعه کنید به مرتضی راوندی «تاریخ اجتماع ایران» جلد اول، تهران، ۱۳۴۱، «اجل بنویست» دین ایران بر پایه مکتوبات

- کهن یونان، ترجمه بهمن سرگراتی، تهران، ۱۳۵۰، ۱۰۱، گریستن سن، مردا پرش در ایران قدیم
 ترجمه ذبیح الله صفا، تهران، ۱۳۵۷، Frye، همانجا صفحات ۱۴۲ تا ۱۴۷، و Chrisman
 همانجا، صفحات ۱۰۰ تا ۱۱۲،
- ۱۷ - Chrisman، همانجا "صفحات ۱۱۲ تا ۱۲۵، شاهان، همانجا، صفحات ۱۴۲ تا ۱۴۵ و پگولو-
سکایا و دیگران، همانجا صفحات ۲۴ تا ۲۷،
- ۱۸ - Frye، همانجا صفحات ۱۴۷ تا ۱۵۴، پگولوسکایا و دیگران، همانجا صفحات ۲۷ تا ۴۵،
 و K.A. Levi، ایران و یونان تا زمان اسکندر مقدونی، تینتو، ۱۹۷۰، (به ایتالیایی)
 ۱۹ - برای تحلیل جامع از حمله اسکندریه ایران مراجعه کنید به: ا. بخاری، قصه سکندر و دارا، با
 دیباچه مشروح از ذبیح سوز، تهران، ۱۳۴۳، امیر مهدی بدیع، یونانیان و پسران جلد دوم، تهران
 ۱۳۴۳، G. Grote، جنگهای بزرگ یونان باستان با ایران، نیپهرک، بدین تاریخ چاپ، به
 انگلیس، و پگولوسکایا و دیگران همانجا صفحات ۴۱ تا ۴۵،
- ۲۰ - شاهان، همانجا، فصل ششم، صفحات ۱۵۱ تا ۱۶۸، Frye، همانجا، صفحات ۱۰۰ تا ۱۱۲،
Girshman، همانجا صفحات ۲۰۶ تا ۲۴۳،
- ۲۱ - برای تشریح جامع از اوضاع سیاسی و شرایط اقتصادی و طبقاتی جامعه ایران در عهد اشکانیان
 مراجعه کنید به N. Liebevoise، تاریخ سیاسی اشکانیان، شیکاگو، ۱۹۲۸، (به انگلیسی)،
پگولوسکایا و دیگران، همانجا، فصل ششم، صفحات ۴۱ تا ۴۸،
- ۲۲ - برای اطلاعات مشروح مراجعه کنید به E. Bevan، سلسله سکونان، لندن، ۱۹۲۵، (به
 انگلیسی)،
- ۲۳ - برای اطلاعات کامل مراجعه کنید به H. Ghirshman، اشکانیان و ساسانیان،
شیکاگو، ۱۹۲۸، و Frye، همانجا، صفحات ۲۲۵ تا ۲۲۶،
- ۲۴ - رجوع کنید به پگولوسکایا و دیگران، همانجا، صفحات ۶۶ تا ۶۷،
- ۲۵ - برای تحلیل و تشریح کامل اوضاع سیاسی، اقتصادی و فرهنگی عهد ساسانیان مراجعه کنید به
 ۱۰۱، گریستن سن، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، تهران، ۱۳۳۳، شاهان، همانجا،
 صفحات ۱۹۷ تا ۱۹۹، Frye، همانجا، فصل ششم، صفحات ۳۵ تا ۴۰،

۲۶- درباره تجارت ، اقتصاد کشاورزی ، سیاست مالی و رشد تولید ابریشم صنایع شیشه ای مراجعه کنید

۴ Girahman ، ایران از آغاز تا اسلام ، صفحات ۲۴۱ تا ۲۴۶ .

۲۷- شاهان ، صانجا ، فصل دهم ، صفحات ۲۲۷ تا ۲۳۲ .

۲۸- صانجا .

۲۹- Ghirahman ، صانجا ، صفحات ۲۴۱ تا ۲۴۶ و ۲۴۷ تا ۲۴۹ .

۳۰- پیگولوسکایا و دیگران ، صانجا ، صفحات ۱۳۲ تا ۱۴۱ .

۳۱- شاهان ، صانجا ، صفحات ۲۴۱ تا ۲۴۲ .

۳۲- پیگولوسکایا و دیگران ، صانجا ، صفحات ۱۳۲ تا ۱۴۱ .

۳۳- شاهان ، صانجا ، صفحات ۲۴۱ تا ۲۴۲ .

۳۴- معروفترین و مهم ترین مذہب که در این دوره در بین ایرانیان (برخلاف خواست قدرت حاکمه)

نشو و نما کرد همان آئین مزدک بود . در اول شاهان ساسانی ، پیروز قباد از آئین مزدک و انشاء آن

بین مردم استقبال کردند . علت این استقبال از طرف شاهان این بود که از آزادی قدرت اشراف و

زمن داران بزرگ جلوگیری کنند . ولی اشراف و کلان زمین داری در این نبرد بر قباد چیره گشته و بعد

حائز وسط خسرو انوشیروان مزدکمان را ، مثل بیرون مابن قتل عام کردند . مزدک در آخرین پیسجم میلادی

در ایران ظهور کرد . او و پیروانش یک نوع زندگی دسته جمعی و اشتراکی را تبلیغ کرد . و خواهان تقسیم

اموال و ثروت بطور مساوی بین مردم بودند . طبق مدارک موجود قتل عام مزدکمان توسط انوشیروان بمسال

۵۲۸ میلادی بولفون پیوست . درباره ظهور و رشد آئین مزدک و جنبش آنان مراجعه کنید به U. Klima

مزدک، بهراگ ، ۱۹۵۶ ، F. Altheim ، دولت آسمانی ، پوزن ، ۱۹۵۴ (به آلمانی) و شاهان

صانجا ، صفحات ۲۲۸ تا ۲۲۹ .

۳۵- این جنبش ها نیز زمینی ، که از آئین مزدک پیروی میکردند ، از طرف بعضی از نهمندگان ایرانی

زبان تسلط اعراب در ایران ، مثل خواجه نظام الملک طوسی ، شناسائی شده بودند . نظام الملک در کتاب

معروف خود سیاستنامه ، از آئین آنها سخن رانده است . رجوع کنید به Frye ، صانجا ، صفحه ۲۵۰

۳۶- شاهان ، صانجا صفحات ۲۴۲ تا ۲۵۰ .

۳۷- برزویه ، طبیب معروف دربار انوشیروان ، علاوه بر توسعه طب در ایران ، شطرنج و روش بازی آن

را از هندوستان به ایران منتقل کرد. علاوه بر معرفی بازی شطرنج برزویه کتابهای جدیدی از زبان هندی به زبان پهلوی ترجمه کرده و به رشد طب در ایران کمک های فراوان کرد. رجوع کنید به —
 Frye، مطابق صفحات ۲۶۰.

۲۸ — Ghirshman، مطابق صفحات ۲۵۰، ۲۴۲.

۲۹ — مانی به احتمال قوی در سرشاپور اول ظهور کرده و بعد از مرگ شاپور بن سالهای ۲۲۴ تا ۲۲۷ قتل رسید. آئین مانی یک نوع مذهب جهانی را که آموزش و ترکیبی از مذاهب مختلف آن روزگار بود، تبلیغ کرده و به مذهب جنبه جهانشمولی داده است. پیروان مانی به روش سوسی و بصری اهمیت داده و از این حیث به تکامل و اشاعه موسیقی و نقاشی زمان خود کمک های فراوان کردند. پیروان مانی در ایران مثل اروپا مورد تعقیب مذهبیین حاکم فرار گرفته و قتل عام شدند. ولی این تعقیب ها و قتل عام نتوانست آئین مانی را نابود سازد. بطوریکه در اواخر عهد ساسانیان هنوز در ایران پیروان مانی بطور منفی فعالیت داشتند. بعد از آئین مانی به کشورهای دیگر آسیای بزرگ، چین، نیز رسوخ کرده و رواج یافت. مراجعه کنید به Frye، مطابق صفحات ۲۴۹ تا ۲۵۰.

۳۰ — خواجه نظام الملک، وزیر گلشاه سلجوقی، غیرتم صحر در علوم مذهب موردی به اهمیت قشری و نماینده زمین داران بزرگ در ایران آن روز بود. قدرت حاکمه تحت رهبری او جنبش اسامهلیه را در ایران قلع و قمع ساخت. نظام الملک تنفر و دشمنی شدیدی نسبت به جنبشهای ضد قنودالی زمان خود داشت. او در کتابش نه تنها رهبران جنبشهای مترقی عصر خود را مورد لعن قرار داد بلکه نسبت به جنبش مزدک و پیروان مزدک در تاریخ گذشته ایران نیز تنفر شدیدی را نمایان ساخت. مراجعه کنید به — خواجه نظام الملک طوسی، سیاستنامه، تهران با مقدمه شرح از عباس اقبال آشتیانی. در ضمن این کتاب در سال ۱۹۶۰ توسط H. Drake، ابرانشناس انگلیسی، تحت نام کتاب دولت، یا قوانین برای شاهان به زبان انگلیسی ترجمه و در لندن به چاپ رسیده است.

فصل دوم: ایران از دوران اشاعه اسلام و تسلط ارباب تا ظهور نیروهای استعمارگر

- ۱ — برای اطلاعات جامع و تحلیل تاریخ و نتیجه گیری از نظام جامعه ایران قبل از اسلام مراجعه کنید به ابودردیس، ایران در بیه تاریخ، تهران، ۱۳۵۷، صفحات ۳۷ تا ۴۲.
- ۲ — و. پیگوتسکاها و دیگران صفحات ۱۷۷ تا ۱۸۹ و ۲۲۶ تا ۲۲۷.

- ۳ - مراجعه کنید به طنی مهرای ، تاریخ کشاورزی ایران ، تهران ۱۳۳۰ .
- ۴ - برای اطلاعات بیشتر در مورد این جنبش‌ها به ایران در پیوه تاریخ و به طابع دست‌اول و معتبر که تصدیق آن در پایتختی‌ها ذکر کرده است مراجعه کنید .
- ۵ - در توبه بخش زندگی سیاسی و مبارزات با یک خرم دین از طابع زیر استفاده شده است :
- الف مجله " بایک پر دلیر ایران " ، اندیشه ، جنبه ، ارتگان ، جنبه ، طنی ایران ، چاپ آمریکا .
دوره سوم شماره هفتم (بهار ۱۳۱۱) ، صفحات ۳۵ تا ۳۷ .
- ۶ - عبد الرحیم مطین فرخ ، " بایک و آفتاب " ، حیثیت ، مجلس تحلیلی و تاریخی ، زیر نظر ایران ، شماره های شهریور و اسفند ۱۳۱۱ و شماره‌های مهر و آبان ۱۳۱۲ و
- Carl A. Brokeman ، تاریخ خلق های اسلامی ، لندن ۱۹۵۲ .
- ۷ - ابوحنیفه دیلمی ، کتاب الاخبار الطوال ، لید ، ۱۸۸۸ (من میس) .
- ۸ - مطین فرخ ، مطابحا ، صفحات ۱۶۶ تا ۱۷۲ .
- ۹ - مطین فرخ ، مطابحا ، شماره ۷ (مهر ۱۳۱۲) .
- ۱۰ - برای اطلاعات عهد تاریخی مراجعه کنید به ابن اسفندیار ، تاریخ طبرستان ، توسط عالم اقبال - آشتیانی ، چاپ تهران .
- ۱۱ - به نقل از سید مرتضی بن دای حسینی رازی ، تیسرة العوام فی معرفة غامات الانام در الغنیة ، مطابحا ، صفحه ۳۱ .
- ۱۲ - مطین فرخ ، مطابحا ، شماره ۱۱ (اسفند ۱۳۱۲) .
- ۱۳ - خواجہ نظام الملک طوس ، سیاست نامه ، توسط عالم اقبال آشتیانی ، چاپ تهران مراجعه شود .
- ۱۴ - نقل قول از کتاب الانساب سماوی در الغنیة ، مطابحا ، صفحه ۳۲ .
- ۱۵ - ابن الندیم ، الفهرست ، چاپ بصر ، ۱۹۶۸ (من میس) ، صفحات ۸۰ تا ۸۱ ، این کتاب مهم تاریخی توسط رفاعت‌محمد به فارسی ترجمه شده است .
- ۱۶ - به ابوالقاسم سعد بن عبدالله ابن خلف الاشعری فی ، ایزق الشیخ ، ترجمه فارسی توسط محمد جواد شکر مراجعه کنید .
- ۱۷ - برای اطلاعات بیشتر در مورد ظهور و رشد دولت های نسبتاً مستقل ایرانی در این دوره رجوع کنید